

نگاهی گذرا به قوه قضائیه؛

(تشکیلات و وظایف سازمانی)

محمد ضیاء علی

کارمند دادگستری کل استان کرمان

1388



« حتی مسئولیت قضیه قضا از همه مسئولیت هایی که در یک کشور هست بالاتر است برای این که قاضیان متصدی اموری هستند که جان مردم ، مال مردم ، نوامیس مردم در گرو کارهای آنها و قضاوت آنهاست . باید توجه کنند که خدای نخواستہ جانی به واسطه فتوای آنها و در قضاوت آنها بدون مجوز شرعی از بین نرود ، مالی ، حیثیتی ، آبرویی از بین نرود که بسیار اهمیت دارد این مطلب.»

امام خمینی (ره)

دیباچه؛

قوه قضائیه، از مظاهر اقتدار و حاکمیت نظام شمرده می شود. بر این اساس، طی این مقاله سعی نموده ام پس از تبیین جایگاه و وظایف قوه قضائیه، به معرفی ارکان اصلی این دستگاه پرداخته و توضیحات مختصری در باب هر یک از بخش ها ارائه نمایم. در بخش دیگر، درباره خصوصیات کارگزار اسلامی مطالبی چند نگاشته ام و در ادامه به معرفی مختصر سازمانهای مرتبط و زیر نظر قوه قضائیه پرداخته و محتوای پایانی نوشتار حاضر را با یادآوری اصول وقواعد حاکم بر امور قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران به پایان رسانده ام؛ باشد که مورد توجه قرار گیرد.

محمد ضیاءعلی

دیماه ۱۳۹۱

عدالت قضایی؛

یکی از مهم ترین آرمان ها و آرزوهای جامعه بشری، اجرای عدالت قضایی است. عدالت، یعنی برقراری مساوات و برابر شمردن همه افراد جامعه از نگاه قانون و همچنین نفی جامعه طبقاتی. عدالت قضایی نیز به معنای حل اختلاف های افراد با یکدیگر بر اساس قوانین مصوّب است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه عهده دار اجرای عدالت قضایی است. از این رو، مسئله قضا در قانون اساسی به منظور پاسداری از حقوق مردم، امری حیاتی شمرده شده و به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن، بر لزوم دور ماندن نظام قضایی از هر نوع رابطه و مناسبت های ناسالم، تأکید شده است.

قوه قضائیه؛

قوه قضائیه یا دیوان عالی، نام شاخه ای از دولت در یک کشور است. این شاخه معمولاً مستقل و غیرسیاسی تعریف می گردد، و وظیفه آن تشکیل و نظارت بر نظام دادگاهی کشور، و تعبیر قوانین آن کشور به نمایندگی، از سوی، و برای آن کشور می باشد.

تاریخچه دادگستری در ایران؛

پس از دوره سلطنت ناصری و آغاز حکومت مظفرالدین شاه قاجار، گروهها و شخصیت‌های تحصیل کرده و منور الفکر و همچنین علماء‌بیش از پیش به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی توجه داشته و برپایه آگاهیهای فرهنگی و سیاسی جدید خود، خواسته‌ها و مطالبات جدیدی را از حکومت خواستار شدند که یکی از این موارد تشکیل عدالتخانه دولتی بود.

حوادث و وقایع سیاسی و اجتماعی بوجود آمده در کشور و سطح بین‌المللی موجب گردید تا آزادیخواهان و علمای بزرگ تهران پس از تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی خواسته‌های خود را در هشت بند که یکی از مهمترین آنها ایجاد عدالتخانه دولتی و اجرای قوانین اسلامی بود به عرض مظفرالدین شاه برسانند .

در این زمان شاه قاجار با تاسیس عدالتخانه دولتی موافقت و طی فرمانی دستور تاسیس آن را به صدر اعظم وقت صادر نمود:

"جناب اشرف اتابک اعظم چنانکه مکرر این نیت خودمان را اظهار فرموده ایم، ترتیب و تاسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع و آسایش رعیت از هر مقصود و مهمی واجبتر است...."

سرانجام در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه صادر و در همان سال دوره مجلس شورای ملی افتتاح و همین مجلس قانون اساسی مشروطیت ایران را در ۵۱ ماده تصویب کرد.

پس از برقراری رژیم مشروطه در ایران، ۸ وزارتخانه به مجلس شورای ملی معرفی گردید که یکی از آنها وزارت عدلیه بود که از سازمانهای وابسته به آن، اداره محاکمات داخلی ذکر شده است. این وزارتخانه ابتداء در تهران آغاز بکار کرد و به تدریج اداراتی با عناوین اداره عدلیه یا دادگاه صلح در مراکز استانها تشکیل گردید.

در سال ۱۳۰۴ شمسی، مجلس شورای ملی، انقراض سلطنت قاجار را اعلام و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی به رضاخان پهلوی واگذار نمود و از این تاریخ به بعد تغییرات و تحولات چشمگیری در پهنه سیاسی و اجتماعی و اداری ایران حادث گردید.

بارزترین تحولات بنیادی در سیستم اداری و اجرایی تشکیلات قضایی ایران در زمان وزارت عدلیه آقای علی اکبر داور صورت گرفت.

داور در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۵ خورشیدی یعنی دو روز پس از پذیرفتن وزارت عدلیه، کلیه تشکیلات قضایی تهران را منحل و یک هفته بعد، در جلسه علنی مجلس شورا، لایحه اختیارات خود را تقدیم مجلس کرد و با تصویب فوری آن، مجاز گردید تا با استفاده از این اختیارات، قوانین و تشکیلات قضایی ایران در اداره تمام سطوح اصلاح نماید.

داور کار خود را آغاز و پس از چندی عدلیه ولایات را تعطیل و عدلیه جدید در اردیبهشت سال ۱۳۰۶ خورشیدی بطور ناقص آغاز بکار کرد.

پس از اجرای اصلاحات جدید داور، فرامین جدید قضات عدلیه به آنان ابلاغ گردید. داور، جهت تعیین قضات جدید بدینگونه عمل نمود:

عده ای از قضات سابق عدلیه مانند آقای سید محمد فاطمی قمی را به خدمت گرفت.

افرادی چون آقای احمد متین دفتری را از وزارتخانه امور خارجه به وزارت عدلیه انتقال داد.

عده ای از نمایندگان مجلس از جمله میرزا شهاب کرمانی نیز دعوت بکار گردیدند. از میان روحانیون و مدرسین حوزه علمیه نیز افرادی را دعوت به کار نمود.

داور توانست نسبت به تکمیل کادر قضایی و تهیه و تصویب قوانین جدید تا حدود زیادی توفیق یابد و پس از چندی محکمه تجارت، دادگاه عمومی قضات و دیوان جزای عمال دولت را تاسیس و آماده به کار کند. قانون ثبت اسناد و املاک و قانون دفاتر رسمی را در تمام کشور پیاده کرد به گونه ای که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی

یعنی پس از گذشت دو سال از آغاز اصلاحات، عدلیه داور جوابگوی احتیاجات قضایی کشور گردید.

دیوان عالی تمیز شامل سه شعبه، محکمه انتظامی و پارک دیوان عالی تمیز، محاکم استیناف با پنج شعبه از جمله محکمه عالی جنایی؛ پارک استیناف؛ دیوان عالی جزای عمال دولت؛ پارک دیوان عالی جزا؛ محکمه ابتدایی؛ دواير استنطاق؛ محکمه تجارت؛ محاصر شرع؛ امنای محاکم صلح محدود؛ امنای محاکم صلح نواحی (کمیساریاهای پلیس)؛ تشکیلات ولایات.

در سال ۱۳۱۵ خورشیدی و پس از تصمیم دولت بر جایگزینی عناوین فارسی در سازمانها و ادارات دولتی و ملی اداره عدلیه نیز به دادگستری و اسامی چون مدعی العموم به دادستان تغییر نام یافت.

وظایف قوه قضائیه؛

در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مهم ترین وظایف قوه قضائیه در پنج بخش ذکر شده است: بخش اول، از میان بردن خصومت ها و حل اختلافات و دعاوی؛ بخش دوم، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛ بخش سوم، نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ بخش چهارم، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزایی اسلام؛ بخش پنجم، اقدام مناسب برای پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان. افزون بر این، برخورداری همه آحاد حقیقی و حقوقی به دادرسی و سهولت دسترسی همگان به آن و حفظ، حراست و حمایت از حرمت انسان ها از دیگر وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی است.

فصل یازدهم قانون اساسی طی اصول ۱۵۶ تا ۱۷۴ به قوه قضائیه پرداخته و وظایف آن را به شرح زیر مشخص نموده است :

اصل یکصد و پنجاه و شش: قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است :

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات ، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند؛

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع؛

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

۴ - کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین؛

قوه قضائیه با یک نظراساسی ترین قوای سه گانه است که در مدیریت هر حکومتی نقش دارد و در نظام اسلامی نیز به دلیل خصیصه های خود نقش مؤثری دارد ، چه با وجود حتی عالیترین قانون و مجریان شایسته در صورتی که نظارتی در کار نباشد و با متخلف برخورد نشود نظام حکومتی موفق نخواهد بود . این وظیفه مهم نظارت و برخورد با متخلف از جمله وظایف قوه قضائیه است . اختلافات حقوقی و مسائل مدنی و یا جرایمی که کم و بیش در هر جامعه ای وجود دارد و باید به آنها رسیدگی شده و حل و فصل شود و در یک کلام استقرار عدالت و گسترش آن باز به عهده همین قوه است . راز اصلی استقلال این قوه طبیعت نوع وظائفی است که به عهده دارد که اگر تحت تأثیر و نفوذ دیگر قوا به خصوص قوه مجریه و سازمانهای وابسته به آنها قرار گیرد هرگز نمی تواند حق و عدل را رعایت کرده و امنیت و آرامش را برای همه فراهم کند که در بحثهای مربوط به اصل پنجاه و هفتم توضیح داده شده است .

به همین دلیل یک فصل مستقل برای آن در قانون اساسی باز شده و عمده وظایف آن برای پشتیبانی حقوق فردی و اجتماعی و استقرار عدالت در شش بند مذکور آمده است که توضیح مختصری در هر یک داده می شود .

۱ - دادرسی

- **تظلمات** ، مربوط به مواردی است که اشخاص مراجعه و ادعا می کنند که فلانی به ما ظلم و ستم کرده ، از ما رفع ظلم کنید .

- **تعدّیات** ، مواردی است که افرادی به حقوقشان تجاوز شده گر چه شکایت یا تظلمی در کار نباشد و یا تعدی کننده ، شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد .

- **شکایات** ، مواردی است که مراجعه می کنند و از کسی یا کسانی شکایت می کنند که حق یا مالی را از ما بردند که گاهی ممکن است طرفین همین ادعا را داشته باشند .

- **دعاوی** ، مواردی است که ادعایی نسبت به امری توسط فرد یا افرادی مطرح می شود که مثلاً این خانه یا اتومبیل از ماست که در بعضی موارد به تخاصم و دعوی طرفین منتهی می شود که اصطلاحاً خصم یا تخاصم گفته می شود گر چه هیچ دشمنی در کار نباشد .

- **امور حسبیه** ، کارهایی است که در جامعه باید انجام گیرد و لازم نیست شخص معینی باشد مثل سرپرستی ایتام ، حفظ اموال و حقوق غیب و قُصْر (یعنی اموال و حقوق از بین رفته و به هدف نرسیده (بلا تکلیف) یا اموال وقف شده) . تا اوقاف و ... که رسیدگی و صدور حکم در این امور پس از مشخص شدن حق ، یکی از وظایف قوه قضائیه است .

۲ - **زنده کردن حقوق عامه مردم** ، مثل برخورد با کسانی که نسبت به مدارس ، مساجد ، بیمارستانها ، راه ها ، پارکها ، شهرها ، روستاها و ... تصرفات نامشروع و غیر قانونی داشته اند و اجازه دادن به کسانی که حق بهره برداری دارند ، کسانی که مانع حق تشکیل جلسه ، جامعه ، انجمن ، نشریه ، کتاب ، روزنامه ، بحث و گفتگو ، نوشتن و ... شده اند گسترش عدل و آزادیهای مشروع ، که احیاء و مراقبت از آنها باز از وظایف قوه قضائیه است .

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین ، از راههایی که بعداً در اصول مربوط به بازرسی کل دیوان عالی و دیوان عدالت خواهد آمد .

۴ - کشف جرم و تعقیب کردن مجرم تا دستگیری و در اختیار قرار گرفتن وی و مجازات او به تناسب جرم یا تعزیر ، یا مجازاتهایی که قاضی تصمیم می گیرد و اجرای حدود یعنی مجازاتهای تعیین شده الهی و مقررات که همه اینها باید توسط مجلس شورای اسلامی تنظیم و تصویب شده باشد تا هرکس طبق سلیقه شخصی مجرم را مجازات نکند.

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم که با بررسی و دقت در حدود این اقدامات معلوم می شود که چه مواردی مربوط به قوه قضائیه است و باید عمل شود ، مثلاً ، مبارزه با فقر و جهل که قطعاً از عوامل جرم زا هستند یا مبارزه با بیسوادی و فرهنگ مبتذل که عوامل جرم می باشند از وظایف قوه قضائیه نیست ، چنانچه پس از اطلاع از توطئه یا تشکیل مرکز فساد ، پیشگیری با ورود به منزل یا محل و دستگیری افراد یا هر اقدام لازم دیگر که توطئه خنثی شده و مرکز فساد متلاشی شود قطعاً از وظایف قوه قضائیه است . موارد مشکوک فراوانی (در زمینه حیطة وظایف قوه قضائیه) وجود دارد که پس از بحثهای مقدماتی و واگذاری این کار به کمیسیونی مستقر در دادستانی کل و تشکیل جلسات مرتب و شرکت در مجامع بین المللی مربوط ، تکلیف این موارد روشن خواهد شد .

۶ - اصلاح مجرمین که باز به عهده قوه قضائیه است توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی که وابسته به قوه قضائیه است و رئیس آن طبق قانون توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می شود انجام می گیرد .

نخستین معمار دستگاه قضایی؛

شاید بتوان گفت نخستین پایه گذار و معمار دستگاه قضایی انقلاب، شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی است. شهیدی که با وجود مدت زمان محدودی که عهده دار سامان بخشی و ایجاد تشکیلات نوین قضایی بود، تأثیر مهمی بر سمت و سو و جهت گیری آن داشت و می توان گفت پایه های آغازین قوه قضاییه با اندیشه های او بنیان نهاده شد. شهید بهشتی در نگاه امام راحل رحمه الله جایگاه ویژه ای داشت. سخنان امام در مورد ایشان، پیش و پس از شهادت، گویای شناخت ویژه حضرت امام از وی بود. شاید والاترین تعبیر از شخصیت آن بزرگوار، تعبیر رهبر کبیر انقلاب بود که او را به تنهایی «یک ملت» نامید.

مجاهد متعهد؛

یکی از افتخارات همیشگی دستگاه قضایی، وجود خدمت گزنانی است که بدون هیچ ادعا، جان عزیز خویش را در راه والایی اسلام نثار کردند. شهید بزرگوار، **حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی قدوسی** در پانزدهم مرداد ۱۳۵۸ بر اساس حکمی از سوی امام راحل رحمه الله به سمت دادستان کل کشور منصوب گردید. در دو سال حضور این شهید والامقام در این منصب، بسیاری از مفاسد و توطئه های دشمنان کشف و خنثی گردید. او سرانجام در چهاردهم شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب آتش زای قوی به وسیله تروریست های عضو گروهک منافقین در محل دادستانی کل، به شهادت رسید و دعوت حق را لبیک گفت. امام خمینی رحمه الله در تجلیل از مقام شهید قدوسی فرمود: «این جانب سالیان طولانی آن بزرگوار را به تقوا و حُسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم. شهادت بر او مبارک و خروج از ظلمات به سوی نور بر او ارزانی باد».

قوه قضائیه، پناه گاه مردم؛

بنیان گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، همواره توجه ویژه ای به دستگاه قضایی داشت و در سخنان و پیام های گوناگون، جایگاه مهم این نهاد را یادآور می شد و توصیه های راه گشایی به مسئولان قضایی می فرمود. ایشان در یکی از سخنان خود فرموده است: «قوه قضائیه که ملجأ و پناه گاه مردم ستم دیده است، قوه ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد. اگر کسانی پیدا شوند که در امور قضایی دخالت می کنند، باید بدانند برخلاف دستورات شرع و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده اند. مجلات و روزنامه ها و رسانه های گروهی توجه داشته باشند که تضعیف قوه قضائیه، برخلاف موازین اسلامی است. دستگاه قضایی و قضات محترم توجه داشته باشند که در حساس ترین مکان نظام، خدمت می کنند. سعی کنند با کمال دقت و مهربانی و قاطعیت با تمام افراد مواجه گردند تا مردم از آنان راضی گردند که رضایت مردم، رضایت خداوند را به دنبال دارد».

قضا، معیار سلامت یک کشور؛

مقام معظم رهبری در مورد دستگاه قضایی می فرماید: «قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این عنصرهای بزرگ بشری، سالم است؛ یعنی اگر فرض کنیم کسی از یک کشور هیچ خبری نداشته باشد، سپس به دستگاه قضایی آن کشور برود و تفحصی بکند، ببیند که آن جا قضاتی عادل و قاطع، سیستم و سازمانی منسجم و کارآمد، قوانینی حساب شده و عادلانه وجود دارد و مشاهده کند که آنها خوب کار می کنند، قاعدتا باید نتیجه بگیرد که وضع کشور خوب است».

وظیفه نظارتی؛

یکی از مهم ترین وظایف قوه قضائیه، نظارت است. در قانون اساسی افزون بر اجرای عدالت، وظیفه دیگری نیز بر عهده دستگاه قضایی گذاشته شده و آن بُعد نظارتی این دستگاه است. این قانون، علاوه بر آنکه نظارت بر حسن اجرای قوانین را بر عهده دستگاه قضایی نهاده است، نظارت بر مقررات، مصوبه ها و آیین نامه هایی را نیز که دستگاه های اجرایی تصویب می کنند دربرمی گیرد؛ یعنی هم نظارت بر اجرا مطرح است و هم بازرسی. بدون تردید، اقتدار قوه قضائیه در انجام این وظیفه، موجب اصلاح دستگاه های دیگر و رشد و توسعه آنها می شود.

سازمان و تشکیلات قوه قضائیه؛

بند ۱ : رئیس قوه قضائیه؛

در رأس سازمان و تشکیلات این قوه شخصی به عنوان « رئیس قوه قضائیه » قرار دارد که عالی ترین مقام این قوه است که اینک نحوه انتصاب و شرایط و وظایفش را در زیر مطالعه می کنیم :

- نحوه تعیین رئیس قوه قضائیه از جمله وظایف و اختیارات مقام رهبری عزل و نصب و قبول استعفای رئیس قوه قضائیه است (بند ۶ اصل یکصد و دهم قانون اساسی) که به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی برای مدت پنج سال و به منظور انجام دادن مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی واداری و اجرایی تعیین می شود.

- **شرایط ریاست قوه قضائیه فردی** که به عنوان ریاست این قوه تعیین می‌شود و عالی‌ترین مقام قوه‌ی قضائیه تلقی می‌گردد، براساس اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی، باید واجد شرایط ذیل باشد:
 ۱. مجتهد عادل باشد
 ۲. آگاه به امور قضائی باشد
 ۳. مدیر و مدبر باشد
- **وظایف رئیس قوه قضائیه** به موجب اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:
 ۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و هشتم.
 ۲. تهیه‌ی لوایح قضائی مناسب با جمهوری اسلامی
 ۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری، طبق قانون. و به موجب اصل یکصد و شصت و چهارم محل خدمت یا سمت قاضی را بدون رضای او نمی‌توان تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل.
 ۴. نصب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، با مشورت قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال. (اصل یکصد و شصت قانون اساسی)
 ۵. پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور (اصل یکصد و شصت قانون اساسی)
 ۶. تعیین ضوابط برای تشکیل دیوان عالی کشور (اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی)
 ۷. دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه می‌باشد. (اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی)

۸. سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه است. (اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی)

بند ۲ : دادگستری؛

به موجب اصل شصت و یکم : « اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد »

دادگستری جمهوری اسلامی ایران مرجع رسمی تظلمات و شکایات مردم است.

دادگستری در امر قضا دو سازمان کار دادرسی و دادگاه دارد.

دادرسی: تشکیلاتی که تحقیق مقدماتی جرایم را بر عهده دارد و نهادی است که وظیفه اش حفظ حقوق عامه مردم ، تعقیب بزهکاران، و اجرای قوانین حقوقی و جزایی است یکی از وظایف دادرسیها، تهیه و تکمیل پرونده های با جرایم بالاست که به دادگاه فرستاده می شود . ریاست دادرسی با دادستان (مدعی العموم) است و بازپرس ها و دادیارها زیر نظر دادستان روی پرونده ها کار می کنند . دادرسیها بر اساس دادگاه ها به دو نوع دادرسی عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند

دادستان کل را رئیس قوه قضائیه برای مدت ۵ سال انتخاب می کند .

دادگاه : تشکیلاتی است که در آن قاضی بر اساس محتویات پرونده واصل شده از دادسرا و قوانین و مقررات قضائی ، حکم لازم را صادر می کند و براساس نوع جرائم به دادگاه های حقوقی و دادگاه های کیفری تقسیم می شود.

بند ۳ : وزیر دادگستری؛

به موجب اصل یکصد و شصت و یکم : « وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسایل مربوط به روابط قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می کند ، انتخاب می گردد. رئیس قوه قضائیه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی ترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.»

بند ۴ : دیوان عالی کشور؛

برطبق اصل یکصد و شصت و یکم : « دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود ، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند ، تشکیل می گردد. »

بنابراین دیوان عالی کشور دو وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین و ایجاد وحدت رویه قضایی را بر عهده دارد.

رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضاییه با مشورت قضات دیوانعالی کشور، آنها را برای مدت ۵ سال منصوب می کند.

بند ۵ : قضات « دادرسان »

۱. نحوه‌ی برگزیدن قاضی :

در نظام جمهوری اسلامی ایران، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها از وظایف رئیس قوه قضاییه است. صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله ی قانون معین می شود. (اصل یکصد و شصت و سوم قانون اساسی)

۲. وظیفه‌ی قاضی :

« قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. » (اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی) همچنین «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه‌ی مجریه است، خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کنند.» (اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی)

به موجب دو اصل فوق وظیفه‌ی قاضی اولاً : حل و فصل دعاوی و اختلافات است

و نهایتاً اصدار حکم می‌باشد و به هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند از رسیدگی و صدور حکم امتناع ورزد. ثانیاً: از اجرای تصویب‌نامه‌ها آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه‌ی مجریه است، خودداری کند.

۳. امتیاز قاضی :

الف : استقلال قاضی :

به موجب اصل یکصد و شصت و چهارم: « قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دایم منفصل کرد با بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.»

ب : حمایت از قاضی :

به موجب اصل یکصد و هفتاد و یکم: « هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاصی، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن اوست در غیر این صورت خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد. « بنابراین فوق، جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، در صورتی که مقصر نباشد، به وسیله‌ی دولت است.»

بند ۶ : کارکنان؛

کارکنان به دو گروه کارکنان اداری و قضایی تقسیم میشوند.

عمده وظایف کارکنان اداری شامل امور مالی، اداری، بیمه، حقوق و دستمزد، بازنشستگی و ... میشود که میتوان گفت بیشتر کارهای ستادی دستگاه را بر عهده دارند.

و اما کارکنان قضایی - غیر قضات- که در دسته شغلی صف قرار میگیرند و بیشترین ارتباط را با ارباب رجوع دارند و عمده کارهای اجرایی را آنان بر عهده دارند در دادگاهها که اساس تحقیق ما را تشکیل میدهد به اینگونه تقسیم بندی میشوند که به اجمال توضیح داده میشود:

محاکم عمومی از دو دسته شعب حقوقی و کیفری تشکیل میشوند. هر شعبه به دو بخش شعبه (دادگاه) و دفتر شعبه (دفتر دادگاه) تقسیم میشود.

شعبه یا دادگاه که مسند رییس دادگاه که همانا قاضی پرونده می باشد در اوقات تعیین شده یا فوق العاده مسئولیت رسیدگی به پرونده های ارجاعی را بر عهده دارد. دفتر شعبه یا به عبارتی دفتر دادگاه از تعدادی کارمند تشکیل شده که دارای سمتهای زیر میباشند:

- ۱- مدیر دفتر
- ۲- منشی (تقریر نویس)
- ۳- متصدی امور دفتری
- ۴- مامور ابلاغ و اجرا

وظایف این افراد از زمان ارجاع پرونده تا مختومه شدن آن اختصارا به شرح ذیل میباشد:

۱- مدیر دفتر؛

رسیدگی به تمام امور مربوط به دفتر اصلی ترین کار مدیر دفتر میباشد. مدیر دفتر وظیفه رسیدگی به دستورات رییس دادگاه را بر عهده دارد. برخی از وظایف مدیر دفتر رسیدگی به نواقص پرونده، تعیین وقت یا نوبت، صدور قرار دفتر، آمار کردن پرونده و ارائه ی آمار ماهیانه شعبه و ...

۲- منشی (تقریر نویس)

وظیفه اصلی منشی دفتر صدور اخباریه و ابلاغیه میباشد. پس از تعیین وقت یا نوبت برای پرونده، صدور انواع اوراق قضایی جهت اطلاع یا احضار اصحاب دعوی برعهده وی میباشد.

۳- متصدی امور دفتری؛

وظیفه متصدیان دفتری انجام سایر امور مربوط به دفتر میباشد. قبل از اینکه روش کار دادگاهها سیستمی و با استفاده از رایانه صورت گیرد وظیفه متصدیان دفتری رسیدگی و انجام امور کلیه دفاتر شامل دفاتر ثبت اندیکاتور وارده و خارجه، ثبت عرایض، ارسال پرونده های ارجاعی، ارسال و مراسلات و ... برعهده این افراد بود که در حال حاضر با سیستمی شدن دستگاه، انجام این امور کمرنگ تر شده است. ضمناً وظیفه ی رسیدگی و انجام امور بایگانی هم برعهده متصدیان دفتری میباشد.

۴- مامور ابلاغ و اجرا؛

همانطور که از اسم این سمت پیداست مامورین ابلاغ و اجرا وظیفه ابلاغ و وصول اوراق قضایی را برعهده دارند. وظیفه دیگر این افراد رسیدگی و انجام امور مربوط به اجرای احکام دادگاه میباشد.

در کل با توصیف این شرح وظایف میتوان گفت بهبود و ارتقاء خدمت رسانی در دستگاه قضا در گرو همکاری و همیاری تمامی افراد شاغل در دستگاه اعم از اداری و قضایی با یکدیگر علی الخصوص همکاران قضایی در شعب میباشد. رعایت دستورات صادره از سوی رئیس دادگاه توسط کارکنان دفتری و توجه و عنایت به آنچه مدیر دفتر به سایر کارکنان دفتری ارجاع میدهد باعث نیل به اهداف دستگاه و رضایت هرچه بیشتر ارباب رجوع از دستگاه و شعبه مربوطه میشود.

خصوصیات کارگزار اسلامی؛

و اما احراز هر یک از مشاغل دولتی —در معنای عام- و پیشرفت در آن نیازمند داشتن یک سری خصوصیات اخلاقی و رفتاری میباشد که توجه به آن و رعایت این اصول هم باعث خودسازی و ارتقاء شخصیتی فرد و هم باعث ارتقاء شغلی وی میگردد که در اینجا به اختصار به گوشه ای از این ویژگیها اشاره میگردد.

در ابتدا لازم میدانم صفات فردی و شخصیتی یک کارگزار خوب را برشمرم زیرا که داشتن و رسیدن این صفات تاثیر بسزایی در کار و روابط فرد میگذارد:

۱- **مکین بودن:** یعنی جایگاه خود را خوب بشناسد زیرا بیشترین آسیبی که افراد در محیط کار و اجتماع متحمل میشوند به علت عدم آگاهی شخص از جایگاه، مقام و موقعیت خود میباشد.

۲- **امین بودن:** یعنی نسبت به امانتی که به وی سپرده میشود امانت دار باشد، خواه این امانت مادی باشد، خواه معنوی.

۳- **حفیظ بودن:** یعنی در آنچه به او سپرده شده نگهبان و نگهدار خوبی باشد.

۴- **علیم بودن:** یعنی نسبت به کاری که به وی سپرده شده آگاه و عالم باشد زیرا عدم آگاهی کافی و وافی نسبت به امور مربوطه هم به خود فرد و هم به مراجعان وی آسیب و آزار میرساند و باعث ایجاد مشکلات عدیده میگردد.

۵- **پر کار بودن:** سهل انگاری و کم کاری از آفات اساسی در کار میباشد که میتواند خسارات جبران ناپذیری به دستگاه وارد کند بنابراین وظیفه شرعی، عقلی و انسانی هر کارگزار است که در انجام کار محوله و در جهت خدمت به جامعه تا آنجا که در توان دارد کوتاهی و کاهلی ننماید.

با بیان این مطالب که کلیات رفتاری و اخلاقی کارگزار را بیان میکند حال نوبت به آن میرسد که وظایف و نحوه برخورد فرد در محیط کار را مورد مطالعه قرار دهیم. به طور کلی اخلاق و رفتار یک کارگزار در محیط اداری به سه قسم میباشد:

۱. در رابطه با ارباب رجوع
۲. در رابطه با همکار (هم سطح)
۳. در رابطه با بالاسر (مسئول)

حال به بررسی هر یک از موارد فوق به اجمال می پردازیم.

مبحث اول: خلق کارگزار در رابطه با ارباب رجوع

خداوند در قرآن کریم میفرماید: «بهترین بندگان من کسانی هستند که تمام حرفها را خوب گوش میکنند و به بهترین های آن خوب عمل میکنند، همانا اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است.»

همانطور که از آیه شریفه فوق میتوان استنباط کرد خوب گوش دادن و خوب عمل کردن از خصوصیات بندگان برگزیده خداوند است؛ بنابراین باید سعی کنیم

شنوندگان خوبی باشیم که این امر ما را در خدمت رسانی بهتر و مطلوب یاری میکند.

اما از دیگر موارد تاثیر گذار در ایجاد ارتباط با ارباب رجوع به شرح ذیل میباشد:

۱- آگاهی بر ضوابط و مقررات و آیین نامه ها: همانطور که پیشتر اشاره شد آگاهی کارگزار اثرات بسیار وسیعی در کار وی و در جهت کمک و خدمت به ارباب رجوع ایفا میکند.

۲- عدم دخالت روابط بر ضوابط: برای گذار از جامعه ی در حال توسعه به توسعه یافته توسل به ضوابط نقش حساسی را بر عهده دارد. ما باید در جهت نهادینه کردن قانونمداری و پایبندی به ضوابط گامهای بزرگی برداریم اما باید به خاطر داشت افراط و تفریط در هر یک میتواند آسیب رسان باشد زیرا قوانین خشک و بی روح هستند و باید آن را با روابط و روح انسانی آمیخت تا به نتیجه مطلوب دست یابیم.

۳- رعایت شرط خدمتگزاری: برخورد کارگزار با ارباب رجوع باید به گونه ای باشد که وی افتخار خدمتگزاری را لمس کند زیرا این جمله همواره باید آویزه گوش کارگزار باشد که "ارباب رجوع ولی نعمت ماست" در این رابطه بر خود واجب میدانم به کلام امیرالمومنین در نامه ایشان به مالک اشتر اشاره کنم که میفرمایند: «ای مالک؛ ارباب رجوعی که به تو مراجعه میکند مانند گرگ با او برخورد مکن زیرا این ارباب رجوع بر دو نوع است: یا او برادر و هم دین توست و یا در خلقت همزاد توست؛ پس در حقشان کوتاهی نکن و بر رعیت مانند حیوان درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شمری.»

۴- رعایت خضوع و خشوع نسبت به پروردگار در ارتباط با بندگان خدا: از آنجایی که عالم محضر خداست بنابراین بر کارگزار اسلامی واجب است در محضر خدا با بنده خدا با خضوع و خشوع برخورد کند.

۵- اجتناب از برتری جویی: بندگان خدا نسبت به یکدیگر برتری ندارند زیرا برتری فقط و فقط در تقوا و پرهیزگاریست.

۶- راهنمایی و ارائه ی راههای سهل الوصول و کوتاه به ارباب رجوع

۷- عدم تاثیر پذیری بوسیله آسیبهای عصبی که توسط ارباب رجوع به کارگزار وارد میشود: صبوری و شکیبایی از ویژگیهای بارز کارگزار خوب میباشد. باید سعی شود در همه حال با صبر و حوصله و منطق با ارباب رجوع برخورد کرد.

مبحث دوم: خلق کارگزار در رابطه با هم سطح (همکار)

در این مبحث به مسائلی که باعث بهبود روابط همکاران با یکدیگر و ارتقاء آنان میگردد می پردازیم:

۱- تعهد نسبت به یکدیگر: کارکنان باید نسبت به یکدیگر متعهد باشند و در جهت کمک و همیاری به یکدیگر گام بردارند زیرا همواره باید به خاطر داشت هیچ یک از ما مستقل عمل نمیکنیم و کار هر یک از ما خواه ناخواه بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر کار دیگری اثر میگذارد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر: در اینجا باید توجه داشت که ابتدا باید معروف و منکر را بشناسیم و بعد به آن عمل کنیم. لازم به ذکر است موضع شناسی و وقت شناسی در جهت امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم و حائز اهمیت است.

۳- برقراری ارتباط صمیمی: ایجاد یک محیط صمیمی و داشتن روابط صحیح، سالم و صمیمی در جهت پیشبرد اهداف شخصی و سازمانی میتواند نقش مهمی ایفا کند.

۴- ایجاد محیط مشاوره: در این رابطه به یک عبارت بسنده میکنم: "کسی که در کارهایش مشورت میکند، در تجربه و عقول دیگران شریک میشود."

۵- مساعدت در رفع نواقص دیگران: همواره باید سعی شود تا حد امکان در جهت رفع نواقص دیگران قدم برداریم زیرا این امر خود باعث تکامل و پیشرفت ما و فرد مقابل میگردد و اثرات مثبتی بر روابط کاری میگذارد.

۶- تجسس: تجسس در لغت به معنای پیگیری مثبت و با انگیزه خیر و متضاد کلمه تجسس میباشد. باید سعی کرد تجسس را به کلی کنار گذاشت و به جای آن به تجسس پردازیم تا همواره باعث موفقیت خود و دیگران شویم.

۷- اجتناب در طبقه بندی بی مورد بین همکاران: همانطور که قبلا اشاره شد ملاک برتری در تقواست.

۸- از بین بردن جو نفاق میان همکاران: نفاق از آفات دین و جامعه است و منافق همواره به خود و اطرافیان آسیب میرساند. در همه حال باید سعی شود از بوجود آمدن جو نفاق و دورویی در محیط کار جلوگیری شود زیرا "المومن مرات المومن" مومنین نسبت به یکدیگر مانند آینه هستند و عیبهای طرف مقابل را به خودش میگویند اما منافقین نسبت به یکدیگر مانند شیشه هستند و عیبهای طرف را به دیگران می گویند.

مبحث سوم: خلق کارگزار نسبت به مافوق

انسان همواره صاحب سرپرست و ولی میباشد و بالاترین ولی و سرپرست انسان خداوند است.

همواره مافوق و زیر دست نسبت به یکدیگر روابط متقابلی دارند که هر یک ملزم به رعایت این اصول و روابط در چارچوب قانون میباشدند. در اینجا تنها به وظایف و برخوردی که کارگزار باید نسبت به مافوق داشته باشد اشاره میگردد:

۱- **حیا داشتن:** هر کارگزار نسبت به مافوق خود باید با نهایت حیا و احترام برخورد کند.

۲- **احترام و صمیمیت در محیط کار و نه تملق گویی:** همواره باید حد اعتدال و میانه روی در تمامی کارها رعایت شود و از افراط و تفریط بپرهیزیم. همواره ایجاد رابطه صمیمی همراه با احترام با مافوق امری مطلوب شمرده میشود اما باید مراقب بود که افراط در این امر موجب میشود که از آن به عنوان تملق گویی و چاپلوسی که بسیار نکوهیده است یاد شود.

۳- **رابطه انجام وظیفه:** باید سعی شود تمام وظایف محوله از سوی مافوق در اسرع وقت و به بهترین نحو ممکن انجام شود.

۴- **رابطه انتقادی:** داشتن روحیه انتقاد پذیری چه برای مافوق و چه برای زیر دست بسیار مفید و موثر است و باید از انتقاد کردن و انتقاد پذیرفتن در جهت رشد و کمال مطلوب خود و دیگران بهره جست.

۵- **رابطه پیشنهادی:** همانطور که انتقاد مفید است باید به خاطر داشت انتقاد بدون پیشنهاد سازنده و به عبارتی ارائه ی راهکار، راه به جایی نخواهد برد.

سازمان های مرتبط و زیر نظر قوه قضائیه

یکم : دیوان عدالت اداری؛

به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین دولتی ، واحدهای دولتی و آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آن ها ، دیوانی به نام **دیوان عدالت اداری** زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند. (اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی)

تشکیلات دیوان در حال حاضر مشتمل بر ۳۱ شعبه بدوی و ۱۵ شعبه تجدید نظر است . هر شعبه از یک رئیس یا عضو علی البدل رئیس (در اصطلاح دادرسی) یک نفر مشاور (در صورت تقاضای رئیس شعبه) ، و یک دفتر با تعدادی کارمند تشکیل می گردد . رئیس ، عضو علی البدل و مشاور باید واجد صفات عدالت ، ایمان ، تقوی ، تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی ، و وفاداری به نظام باشند.

رئیس شعبه یکم ، ریاست دیوان را برعهده دارد و دارای تعدادی معاون و مشاور است و در غیاب او کارهای دیوان با دستور معاونت قضایی پیگیری می شود.

دوم : سازمان بازرسی کل کشور؛

« براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام « سازمان بازرسی کل کشور » زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می گردد.

حدود و اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند. « (اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی)

طبق قانون مصوب سال ۱۳۶۰ ، سازمان بازرسی بر دستگاه های اداری دو گونه نظارت دارد: یکی نظارت مستمر و دیگری بازرسی فوق العاده که بازرسان ثابت و موقت انجام می دهند .

سوم : سازمان ثبت اسناد و املاک کشور؛

ماموریت دادگستری و محاکم آن احقاق حق و حقوق افراد و رسالت سازمان ثبت اسناد ، تثبیت حق و حقوق افراد است . رئیس این سازمان را رئیس قوه قضائیه انتخاب می کند . وظایف سازمان ثبت اسناد عبارت است از : ثبت املاک ، ثبت اسناد ، ثبت اشخاص حقوقی و اجرای عقود و قراردادهای .

چهارم: سازمان قضایی نیروهای مسلح

محاکم نظامی به موجب اصل یکصد و هفتاد و دوم : برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش ، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، مطابق قانون تشکیل می‌گردد ، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند ، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود . دادستانی و دادگاه های نظامی ، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند .

پنجم : سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور

سازمان زندان ها از موسسات مستقل دولت است که زیر نظر رئیس قوه قضائیه وظایف خود را انجام می دهد. برخی از وظایف سازمان زندان ها عبارت است از : ایجاد امکانات لازم در جهت اصلاح و ارشاد و آموزش زندانیان ، کمک به رفع مشکلات آنان حرفه آموزی و اشتغال زندانیان ، مراقبت از زندانیان بعد از خروج از زندان و اداره امور مربوط به زندانها و مراکز وابسته به آن .

ششم : سازمان پزشکی قانونی کشور

پزشکی قانونی سازمانی است وابسته به قوه قضائیه که به منظور کارشناسی در امور پزشکی که نظریات آن برای مراجع قضائی و سایر دستگاههای دولتی مستند باشد و بررسی و تحقیق در امور پزشکی قانونی در پیشگیری از وقوع جرم تشکیل شده است. رئیس این سازمان از سوی رئیس قوه قضائیه از میان پزشکان واجد صلاحیت تعیین می شود.

پزشکی قانونی به شکل نوین آن در ایران از حدود نه دهه پیش به صورت ادارهای وابسته به وزارت دادگستری فعالیت خود را آغاز کرد. با توسعه روشهای کشف جرم و افزایش نیاز مجامع قضایی به خدمات پزشکی قانونی به اداره کل تبدیل شد و در سال ۱۳۷۲ با تصویب مجلس شورای اسلامی ، سازمان پزشکی قانونی کشور به عنوان سازمانی مستقل و زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس شد.

وظایف اصلی پزشکی قانونی عبارتند از :

- انجام امور پزشکی و کارشناسی‌های بالینی

- انجام امور تشخیصی و آزمایشگاهی

- پاسخ به استعلام مراکز و نهادهای دولتی نیازمند نظرات کارشناسی پزشکی
قانونی

- فعالیت آموزشی از جمله آموزش دستیاران تخصصی، دانشجویان
پزشکی، مامایی، حقوق و نیروی انتظامی

- فعالیتهای علمی و پژوهشی

هفتم : روزنامه رسمی کشور؛

شرکت دولتی مزبور زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره می شود و هدف های آن عبارت
است از :

- چاپ و نشر روزنامه رسمی کشور

- چاپ برگه های مورد نیاز دادگستری و محاکم

- چاپ و انتشار مذاکرات مجلس شورای اسلامی

- گرد آوری قوانین و چاپ و انتشار آنها در روزنامه رسمی کشور

هشتم : دانشگاه علوم قضایی؛

دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دانشگاهی است که به منظور تامین نیروی انسانی نیاز قوه قضائیه، در رشته های مختلف حقوقی و قضایی مبادرت به پذیرش دانشجوی بورسیه برای تصدی پست قضاوت می نماید.

اصول وقواعد حاکم بر امور قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران

• اصل اول : علنی بودن محاکمات

بر اساس اصل یکصد و شصت و پنجم : « محاکمات ، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع می باشد مگر آن که به تشخیص دادگاه ، علنی بودن آن منافعی عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

بنابراین اصل بر علنی بودن محاکمات است مگر در سه صورت ذیل :

۱. علنی بودن به تشخیص دادگاه منافعی عمومی باشد .
۲. علنی بودن مخالف نظم عمومی باشد .
۳. طرفین تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد

• اصل دوم : مستند بودن احکام دادگاهها

« احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است » (اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی) بنابراین قاضی نمی تواند بدون استناد به مواد قانونی انشاء حکم نماید .

• اصل سوم : رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه؛

رسیدگی به جرایم مزبور علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. (اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی)

• اصل چهارم : عدم عطف قوانین جزایی به ماسبق؛

« هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. » (اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی) زیرا فرض بر این است که در جامعه ای که نظم قضایی بر آن حاکم است ، دولت هر عمل و اقدامی را که مضر به حال جامعه تشخیص دهد و مرتکب آن را مستحق مجازات بداند ، به موجب قوانین جزایی آن را به اطلاع عموم می رساند.



" تکلیف اصلی قوه قضائیه ، عبارت از اقامه قسط و عدل است.
این در حرکت و دعوت انبیاء شاید اصلی ترین امر مربوط به
زندگی مردم باشد... درعین حال، در آنچه که مربوط به اداره
زندگی مردم می شود، هیچ چیز به قدر عدل و قسط - نه در
قرآن و نه در حدیث - مورد توجه قرار نگرفته است."

(مقام معظم رهبری)